

تجلی نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بر ساخت واقعیت آینده

علی اصغر پورعزت *

چکیده

نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نامی بسیار اثرگذار و هدایتگر است؛ نامی که بر منزلت او در هستی دلالت دارد؛ هدایت شده‌ای که هدایتگر است و امامت جهانیان را برعهده دارد؛ امام بر زمان‌ها و دوران‌هاست و نام او شکل‌دهنده بسیاری از واقعیت‌های زمانه است. مهدی‌باوری، از جمله سرمایه‌های ارزشمند مسلمانان برای ورود موفق به آینده است؛ سرمایه‌ای معنوی که ملل دیگر مجبورند برای ایجاد آن، مسیرهای کاذب و صادق زیادی را طی کنند تا با اتکا به قدرت وهم و تخیل خویش، واقعیت‌هایی تحمیلی و بیگانه با حقیقت را پردازش نمایند؛ در حالی که جامعه اسلامی، در انگاره کلان خود، اعم از شیعه و سنی، از این سرمایه معنوی حقیقی بهره‌مند است؛ سرمایه‌ای معنوی با ظرفیت فوق‌العاده برای آفرینش‌های هنری، ادبی، فناورانه و ساختاری، در امتداد ساخت واقعیت آینده. این پژوهش درصدد است تا با تأمل بر ابعاد و ارزش‌های گوناگون این سرمایه پایان‌نیافتنی، راهبردهایی را برای استفاده هوشمندانه‌تر از آن معرفی نماید؛ راهبردهایی که مهدی‌باوری را در فراگردهای گوناگون شکل‌دهی ارکان جوامع آینده نافذ سازد و با ابتناء بر این سرمایه معنوی، آینده‌ای زیباتر و خردمندانه‌تر بیافریند. کلیدواژه‌ها: امام مهدی و امید ملی، سرمایه معنوی منجی‌باوری، آینده روشن و پیروزی قطعی، ساخت اجتماعی واقعیت، ساخت واقعیت آینده، انتظار فوق‌فعال و آینده‌ساز.

امید به آینده تحت تأثیر داستان‌های صادق و کاذب سرمایه معنوی، سرمایه‌ای است که بر مبنای باورها و اعتقادات مردم شکل می‌گیرد و آینده را به گونه‌ای معنوی‌تر و لطیف‌تر شکل می‌دهد؛ آینده‌ای که در آن پیروزی حق بر باطل مفروض و مسلم فرض می‌شود.

خداوند متعال در قرآن کریم درباره پیروزی مسلم بندگان صالح خویش چنین فرموده است:
 وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء: ۱۰۵).

این آیه شریفه دلالت‌های شگفت‌انگیزی بر سرمایه معنوی و امید به آینده دارد؛ زیرا چنین حکم می‌فرماید «ما در زبور، بعد از تورات نوشتیم، همانا زمین را بندگان صالح به ارث خواهند برد» یعنی پروردگار متعال سه بار حکم کتبی داده است که بندگان صالح او، وارث زمین‌اند!

بیان این همه تأکید در قرآن کریم، به حدی امیدآفرین و هیجان‌انگیز است که مؤمنان را مطمئن می‌سازد که یقیناً حق پیروز است و باطل نابود خواهد شد. این امید بسیار ارزشمند است؛ زیرا بقای اثربخش، کارآمد و پایدار در جامعه بشری، موکول به آن است؛ امیدی که سرمایه معنوی و گرانقدر هر جامعه، برای ورود موفق به آینده است. اهمیت این امید به حدی است که بسیاری از جوامع، حتی با توسل به تصویرپردازی‌های خیالی از پیروزی‌های خود در آینده، سعی در تحریف آینده و مصادره آن به مطلوب خویشتن دارند و به‌طور مستمر تلاش می‌کنند تا گذشته را از شکست‌های خویش پیراسته کنند و آینده را با تصاویری ساختگی از پیروزی خویش ترسیم نمایند و بدین ترتیب به تاریخ‌سازی و واقعه‌پردازی متوسل می‌شوند.

البته این تاریخ‌سازی‌ها، نقطه ضعفی اساسی دارند! بسیاری از مردم می‌دانند یا می‌پندارند که آنها دروغ‌اند؛ پس نمی‌توانند همه مردم را در همه زمان‌های حال تا آینده بفریبند! به همین ترتیب، تصویرپردازی‌های القایی مبتنی بر این تاریخ‌سازی‌ها، کاذب یا تحمیلی قلمداد می‌شوند و نمی‌توانند در دوره‌های طولانی، مساعی حقیقی افراد را برای ساخت و تحقق خود در آینده، جلب نمایند.

نکته مهم این است که پذیرش این داستان‌های تاریخی و مراتب اثرگذاری آنها در خلق واقعیت‌های آینده، به مراتب بلوغ و توانایی آحاد جامعه بستگی دارد. اگر جامعه بالغ و توانمند باشد، داستان‌های حقیقی را باور می‌کند و اگر نابالغ و ضعیف باشد، ممکن است تحت تأثیر هر داستان ساختگی و بی‌اعتباری، برانگیخته شود و فعالیت نماید. در خطبه ۵ نهج‌البلاغه، چنین اشاره شده است که "تلاش برای قیام در جامعه نابالغ، مانند کشت در زمین دیگران است"؛ شاید بدان دلیل که احتمالاً قبل از محصول دادن جامعه نابالغ، اهل فریب و تزویر، قلب‌های مردم ناآگاه را به خود متمایل می‌سازند و بهره خود را می‌برند؛ بنابراین بلوغ و آگاهی مردم، مقدمه تحقق و پایداری جامعه عدل فرض می‌شود.

خلاصه اینکه، امید سرمایه‌ای مهم است و یادآوری داستان موفقیت‌های تاریخی، می‌تواند منبعی بسیار مهیج برای امیدبخشی به جامعه باشد. به همین دلیل، برخی از کشورها برای افزایش امید مردم خود به آینده، به تاریخ‌سازی‌ها و حتی تحریف حوادث تاریخی روی می‌آورند!

از نمونه تلاش‌های تاریخ‌سازانه کاذب، می‌توان به مصادره به مطلوب قصه‌های شاهنامه فردوسی در میان بسیاری از اقوام جهان اشاره کرد. این مصادره به مطلوب‌ها هر چند هم که بومی‌سازی شده باشند، نشان‌دهنده نگرانی مهم کشورهای فاقد هویت در گذشته، برای ورود موفق به آینده‌اند؛ گویا داشتن گذشته شفاف و درخشان، رمز ورود موفق به آینده است!

همچنین از جمله تلاش‌های معطوف به توسعه و ایجاد و تقویت امید ملی، تلاش‌هایی است که بسیاری از جوامع، برای تقویت باور به منجی موعود خویش انجام می‌دهند؛ ضمن اینکه با استفاده ابزاری از ظرفیت‌های دانش و فناوری در جلوه‌های هنری و تفریحی و رسانه‌ای، خود را در شمار موفق‌ترین کشورها در آینده، معرفی می‌کنند. گاهی نیز این مهم از طریق تلاش برای کشف آینده حقیقی از طریق مذهب و عرفان یا شهود انجام می‌پذیرد. بنابراین، تلاش برای کسب هویت و امید به چند صورت انجام می‌شود:

- اول، بازپردازی تاریخ از طریق معرفی قهرمان‌ها و شخصیت‌های تاریخی خیالی؛
- دوم، تمرین ذهنی موفقیت در آینده، از طریق بازی‌ها و داستان‌پردازی‌های تخیلی.

سوم، تصویرپردازی از موفقیت خود در آینده، بر اساس عطف توجه به آینده موعود و رواج منجی‌باوری در قالب رویکردهای مذهبی حقیقت‌گرا.

بازپردازی و تحریف تاریخ از طریق معرفی قهرمان‌ها و شخصیت‌های تخیلی

برخی از ملت‌ها که گذشته خود را چندان جذاب نمی‌دانند، سعی می‌کنند تا با بومی‌سازی افسانه‌ها و حتی داستان‌های تاریخی دیگر ملل، تاریخ و هویت ملی خود را بازپردازی نمایند. به‌مثابه نمونه‌ای از این‌گونه تلاش‌ها می‌توان به بازسازی شخصیت رستم ایرانی، در روسیه و کره جنوبی و برخی از کشورهای جهان اشاره کرد؛ به‌طوری که با اقتباس حوادث و آزمون‌های افسانه‌ای رستم، شخصیت‌هایی روسی یا کره‌ای را بر قیاس آن تصویرپردازی نموده، شخصیت‌پردازی‌های افسانه‌ای را معرفی می‌نمایند. در این نمونه، رستم شاهنامه فردوسی اصل تلقی می‌شود؛ در حالی که بسیاری از نسخه‌های دیگر در جهان، پرداخته‌ای جدید از شخصیت افسانه‌ای وی را بازپردازی می‌نمایند.

جالب آنکه فردوسی به‌وضوح به تخیلی بودن شخصیت رستم اصلی اشاره کرده است:

که رستم یلی بود در سیستان - منش کردمش رستم داستان (شاهنامه، چاپ ۱۳۸۶).

یعنی، در حالی که اصل داستان رستم نیز پرداخته ذهن خیال‌پرداز فردوسی است، برخی از ملت‌ها تلاش می‌کنند تا نسخه‌های بومی خود را بر اساس آن طراحی و معرفی نمایند و اصرار ورزند که این شخصیت حقیقتاً به آنها تعلق دارد.

گویا این نسخه‌برداری‌ها و قهرمان‌پردازی‌ها، چاره سهل‌الوصول این ملت‌ها برای ورود امیدوار به آینده‌اند؛ زیرا از این طریق‌ها هویتی جذاب را برای خود شکل می‌دهند و انگیزه‌ای برای اعضای ملت خود ایجاد می‌کنند تا در پیوستن به مدافعان فرهنگ ملی اصرار ورزند؛ ضمن اینکه همه این تلاش‌ها، در امتداد باور به گزاره زیر انجام می‌شوند:

گزاره الف: "در آینده ملتی موفق‌تر است که گذشته‌ای درخشان‌تر داشته باشد!"

برای مثال، تلاش محمدرضا شاه برای بازپردازی و تصویرگری تمدن شاهنشاهی ایران، از طریق شاهنامه‌خوانی، تاریخ‌نویسی و جشن‌های دوهزار و پانصدساله، در همین راستا ارزیابی می‌شود. تلاشی برای معرفی گذشته درخشان برای کشوری که مایل به تصویرپردازی برتر از خویشین خویش است.

تمرین ذهنی موفقیت در آینده از طریق قهرمان‌سازی

پیش‌بینی‌ها و تصویرپردازی‌های ملل از آینده بسیار جالب توجه بوده، این تلاش‌ها برای تصویرپردازی در قالب داستان‌ها و فیلم‌های تخیلی و ساخت‌دهی به اذهان عمومی درباره موفقیت‌های ملی و ارضای حس موفقیت‌طلبی آحاد جامعه، بسیار حائز اهمیت‌اند؛ زیرا این تصاویر، هر چند هم که بر اساس باورها، القائات و تصویرپردازی‌های خیالی و کاذب شکل گرفته باشند، امید مردم را به آینده افزایش می‌دهند. در واقع، این داستان‌پردازی‌ها و نقلی‌ها و شنیدن‌ها و گفت‌وگوها، همه نوعی حس موفقیت را تقویت می‌کنند و نوعی تمرین ذهنی را برای موفقیت در آینده سبب می‌شوند (Brown & Others, 2005; Boje, 2001)؛ شیوه‌ای که می‌توان آن را در حالت عملیاتی‌تر، در قالب مانورهای نظامی تصور کرد. در این‌گونه مانورها، ارتش‌ها تمرین می‌کنند که چگونه با دشمنان فرضی مواجه شوند و ماشین جنگی آنها را از کار بیاندازند. در داستان‌پردازی از موفقیت‌های تخیلی نیز ملت‌ها تمرین می‌کنند که در صورت مواجهه با مشکلات خاص در آینده، چگونه عمل کنند! این شیوه آنها را از حیث آمادگی ذهنی برای غلبه بر مشکلات احتمالی تقویت می‌کند؛ مشروط بر این‌که داستان‌های مذکور کاملاً فارغ و جدا از واقعیت نباشند و تصویری از مسائل و مشکلات نسبتاً واقعی ارائه نمایند.

این تلاش‌ها، در امتداد امید و باور به گزاره زیر انجام می‌پذیرند:

گزاره ب: "در آینده ملتی موفق‌تر است که باور دارد موفق خواهد شد!"

معمولاً تلاش قهرمان‌پردازانه شرکت‌های فعال در عرصه‌های فرهنگی و فیلم‌سازی دنیا، از طریق ساختن فیلم‌ها و نقاشی‌های متحرک و پویانمایی‌های روایتگر شخصیت‌های تخیلی، در همین راستا صورت می‌پذیرد. این تلاش‌ها معطوف به این مهم‌اند که اعضای یک ملت باید بارها و بارها موفقیت را در حال و هوای خیال و تخیل تجربه کنند تا برای پذیرش موفقیت‌های واقعی آمادگی کسب نمایند.

تصویرپردازی از آینده موعود و توسعه منجی‌باوری

بسیاری از ملت‌ها نیز تلاش می‌کنند تا با اشاره به ویژگی‌های منجی موعود خود، آینده

خود را درخشان و پرامید نشان دهند. به همین دلیل انواع و اقسام شخصیت‌ها و هویت‌ها را به کار گرفته، تلاش کرده‌اند تا حتی المقدور، تصویر منجی موعود خویش را مقتدرتر و مؤثرتر و نافذتر معرفی نمایند؛ تا حدی که گاهی تشخیص داستان‌ها و افسانه‌های خیالی از روایت‌های دینی و وحیانی دشوار می‌شود. در این گونه موارد، تفکیک حق و باطل، نیازمند بهره‌مندی از تخصص‌های ویژه منجی‌شناسی و دین‌شناسی است.

این تلاش‌ها در امتداد باور به گزاره زیر انجام می‌پذیرند:

گزاره ج: "در آینده ملتی موفق‌تر است که تصویری معنوی از توفیقات خود داشته باشد". در امتداد همین باور است که جوامع تلاش می‌کنند تصویری اخلاقی یا معنوی از خویش ارائه نمایند؛ هرچند گاهی این تصویر معنوی در قالب‌های دین‌گریز و لائیک صورت‌بندی می‌شوند.

داستان اثربخش بر آینده

داستان‌سرایی از جمله راهبردهای موفق برای مداخله در جهت بهبود شرایط سازمان‌ها، ملت‌ها و سایر قالب‌های اجتماع بشری محسوب می‌شود (Boje, 2008). در باب تأثیر داستان‌سرایی بر آینده‌سازی می‌توان مباحث تأمل‌برانگیزی را مد نظر قرار داد؛ مباحث دال بر اینکه در روایت‌گری‌های "اثرگذار تاریخ بر آینده"، داستانی اثربخش^۱ خواهد بود که از ویژگی‌های ذیل برخوردار باشد:

الف) به‌طور شفاف مرتبط با گذشته باشد؛

ب) در امتداد حال باشد؛

ج) جلب‌کننده اطمینان باشد.

یعنی داستانی که به گذشته اقوام مرتبط باشد، در امتداد حال قرار گیرد و مورد اعتماد مردم واقع شود، از قابلیت اثرگذاری بیشتری بر آینده برخوردار می‌شود. بر این اساس، برخی داستان‌ها معقول‌اند، برخی باورپذیرند، برخی ممکن‌اند، برخی ترجیح داده می‌شوند، برخی

ناممکن‌اند و برخی نابخردانه‌اند. در این میان، داستان مهدی موعود علیه السلام داستانی متمایز است؛ داستانی است که از گذشته واقعی آغاز شده، خردمندانه در میان آحاد جامعه پذیرفته و باور شده و بدون شک، بر آینده تأثیر دارد؛ تأثیر این داستان بر آینده چنان است که می‌توان ادعا کرد که همه لحظات حیات جوامع شیعی، قبل و بعد از غیبت و در دوره‌های پیش از ظهور، به شدت از باور به آن اثر می‌پذیرد.

باور به ظهور مهدی موعود علیه السلام

اندیشه ظهور مهدی موعود، از جمله داستان‌های باورپذیر و حقیقی و اعتمادبرانگیز رایج در میان عامه مسلمانان و بسیاری از پیروان ادیان توحیدی است. البته ادیان گوناگون، تصویرهای متفاوتی از شخصیت موعود خود ارائه می‌کنند، ولی غالب آنها به منجی موعود اعتقاد دارند و باور به آن را تقویت می‌کنند. نکته قابل تأمل آنکه موعودهای این ادیان توحیدی، ویژگی‌هایی شبیه به هم دارند؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد که همگی یک شخصیت یا یک فرهنگ یا گروه از افراد را توصیف می‌نمایند. برای مثال، آنچه از خصال مسیح و مهدی علیه السلام در روایت‌های مسیحیان و مسلمانان مطرح شده‌اند، بسیار شبیه یکدیگرند؛ ضمن اینکه مسلمانان برآنند که این دو شخصیت، در یک گروه و با هم و به همراه عده‌ای دیگر از اولیا و شخصیت‌های پاک‌سیرت علیهم السلام، ظهور خواهند کرد.

بنابراین، بسیار مهم و درخور تأمل است که آموزه مهدی موعود علیه السلام، از همه ویژگی‌های اثربخشی برخوردار است؛ به طوری که مستمراً بسیاری از حوادث گذشته، حال و آینده را تحت تأثیر شگرف خود قرار داده است و می‌توان تصور کرد که در آینده نیز چنین خواهد بود.

الف) گذشته شفاف امام مهدی علیه السلام

در نگاهی به کارکردهای تصویرپردازانه آیات و روایات و ادعیه رایج در میان مسلمانان، تأکید بر گذشته پاکیزه پیامبران و امامان، بسیار جلب توجه می‌کند؛ به طوری که در بسیاری از دعاهای رایج در میان مسلمانان، چنین تأکید شده است که آنها همگی از نسل پدران و مادران پاکیزه‌اند؛ ضمن این که در این رویکرد تبارشناسانه، تبار امام مهدی علیه السلام که قرار است

رهبری جهانیان را برعهده گیرد، بی‌نظیر و منحصر به فرد است. او فرزند بهترین پدران و مادران روزگار و تاریخ است و تبار او تا عهد حضرت آدم و حوا علیهم‌السلام، کاملاً روشن و شناخته شده و حتی مشهور در بین دانشمندان علوم دینی جهان است (زیارت وارث، مفاتیح الجنان).

این مهم موجب می‌شود که مردم درباره خصال نیکو و پسندیده و احترام برانگیز او مطمئن گردند و پیوسته این مهم را برای آنها تداعی می‌کند که مسلماً فرزند این تبار بزرگوار و شایسته، بهترین و لایق‌ترین خواهد بود (سلیمان، ۱۳۷۶، ۴-۸۳). چنانچه در جهان واقع نیز یکی از عوامل مهم جلب اطمینان مردم، تعلق داشتن به خاندان‌ها و خانواده‌های پاک‌سرشت است.

ب) حضور امام مهدی در زمان حال

باور به حضور امام مهدی علیه‌السلام در زمان حال و بحث امامت او بر زمان و امامت در زمان (پورعزت، ۱۳۸۷)، همه بر ارتباط وثیق او با زمان حال دلالت دارند. این که او همواره با زبان روز، علم روز و ابزار و وسایل روز، زندگی می‌کند؛ این که او از فناوری مدرن بهره می‌گیرد؛ این که او در میان مسلمانان در ایام حج و مناسک دینی حضور دارد؛ در میان ایشان راه می‌رود؛ با ایشان مراوده دارد؛ از اعمال نیک ایشان شاد می‌شود و از اعمال زشت ایشان ناراحت می‌گردد؛ همه و همه بر این مهم تأکید دارند که مهدی موعود علیه‌السلام در حال حاضر و در حیات واقعی جوامع، حضوری نافذ دارد؛ به طوری که حتی می‌توان او را مورد خطاب قرار داد و با او صحبت کرد (زیارت آل یاسین، مفاتیح الجنان).

ج) اطمینان برانگیزی داستان مهدی علیه‌السلام

با وجود خارق‌العاده بودن داستان مهدی موعود علیه‌السلام، مسلمانان آن را واقعی و باورکردنی می‌دانند. در واقع، وجود مهدی موعود علیه‌السلام، داستانی "باور شده" است؛ قابل تأمل است که یکی از اعیاد کم‌نظیر مسلمانان، عید نیمه شعبان است. روزی که به باور شیعیان، روز ولادت امام زمان علیه‌السلام است؛ روزی که گویا طلوعه تحقق وعده خداوند بر مردم ضعیف و رنج‌دیده

نمایان می‌گردد؛ حال و هوای شیعیان در این روز چنان است که گویا فروپاشی کاخ ستم و ستمگران آغاز شده است؛ گویا این روز، آغازی است برای روزی که به تدریج زمینه ظهور دائمی او را فراهم خواهد ساخت؛ از این رو، شیعیان منتظر در این عید چنان رفتار می‌کنند که گویا پیروزی حق بر باطل را از طلوع آن می‌بینند و سرور و نشاط و شادی آن را احساس می‌کنند. بنابراین، صرف نظر از حقیقت مهدی، مردم واقعیت او را باور کرده‌اند. همین باور است که مردم را برمی‌انگیزد که در این روز خود را پاکیزه نمایند و به مناجات و تزکیه بپردازند.

مهدی علیه السلام، سرمایه گرانقدر آینده پُر امید مسلمانان

دلالت‌های پی‌درپی آیات و روایات و ادعیه اسلامی، بر آینده روشن و پُر امید مسلمانان، این تصور را فراروی مردم قرار می‌دهد که قطعاً پیروزی، از آن اهل ایمان است و اقتدار ظاهری اهل باطل، حتماً و قطعاً فرو خواهد ریخت؛ مشروط بر آنکه قوم با ایمان و خالصی پیدا شود تا این امر خداوند، درباره آنها تحقق یابد. البته این باور مهم، نیاز به حراست و بذل توجه دارد و مسلمانان باید هوشیار باشند که هر تلاشی برای مخدوش کردن تبار، چهره، رفتار و حقیقت داستان امام مهدی علیه السلام، نیرنگی باطل، اما اثرگذار است؛ نیرنگی که باید با آن مقابله شود تا این سرمایه ارجمند، نافذتر و محفوظ‌تر، به آیندگان تحویل داده شود.

بنابراین، انتظار شیعه، انتظاری پویا و فعال و حتی فوق فعال است. این انتظار به تعبیر شریعتی، اعتراض به وضع موجود است (شریعتی، ۱۳۵۷)؛ اعتراضی پویا برای تغییر وضع موجود و حرکت به سوی وضع مطلوب؛ انتظاری که سرچشمه حرکت و تلاش است (آصفی، ۱۳۸۳). در این رویکرد، نام مهدی علیه السلام، نام هدایت‌شده‌ای است که هدایتگر است؛ نامی که به مثابه یک "واقعیت" به مثابه یک "کلمه" تحقق یافته، در جهان هستی اثرگذار است؛ یعنی صرفاً واقعیت "شناخته شده بودن" و "متعارف بودن" این نام زیبا، صرف‌نظر از حقیقت و معنویت باورپذیر آن، بر شکل‌دهی جهان آینده تأثیر دارد؛ در این رویکرد، تأکید می‌شود که مختصات جهانی که در آن نام مهدی علیه السلام به زبان‌ها آورده می‌شود، با جهانی که با نام ایشان بیگانه است، متفاوت است؛ یعنی حتی تکرار نام او، در شکل‌دهی واقعیت آینده نقش دارد

(Pourezzat, 2010). بدین ترتیب، حتی ذکر نام مهدی نیز تأثیری شگرف بر شکل‌دهی جامعه‌ای اخلاقی و پویا، برای پذیرایی از عدالت و معنویت دارد.

ابعاد ساخت واقعیت آینده در پرتو نام مهدی علیه السلام

بر اساس دیدگاه برگر و لاکمن، مردم در مراودات روزمره خود، به وجهی پدیدارشناسانه، واقعیت‌های اجتماعی را شکل می‌دهند. بر اساس دیدگاه ویک نیز، سازمان‌ها و سیستم‌های اجتماعی، از طریق سازماندهی خود، محیط پیرامون خود را شکل می‌دهند (Scott & Davis, 2007; Morgan, 2006). بنابراین، واقعیت‌های اجتماعی در محیط پیرامونی، تحت تأثیر مراودات اجتماعی و باورها و عقاید مردم شکل می‌گیرند. در همین امتداد، آرزوها و آرمان‌های مردم، به‌شدت بر فراگرد شکل‌گیری آینده مؤثرند و آفرینش‌های هنری، ادبی، فناورانه و ساختاری جهان آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

بدین ترتیب، نام امام مهدی علیه السلام در بسیاری از آثار خطاطی، نقاشی خطاها، کاشی‌کاری‌ها، هنرهای تجسمی، نقاشی‌ها، قالی‌بافی‌ها و بسیاری دیگر از قالب‌های زیبایی‌شناسانه هنری متجلی می‌شود.

همچنین بسیاری از اشعار، ادبیات، داستان‌ها، فیلم‌ها، تئاترها و دیگر جلوه‌های ادبی و هنری جهان معاصر، تحت تأثیر نام او صورت‌بندی می‌شوند و حتی بسیاری از تلاش‌های فناورانه برای بهبود سازه‌های انسانی و اصلاح کژکارکردهای محصولات و تولیدات صنعتی، با هدف اصلاح وضع موجود و نیل به وضع مطلوب، و با امید حیات طیبه در محضر او صورت‌بندی می‌شوند؛ ضمن این‌که بسیاری از ساختارهای سازمان‌های اجتماعی، با توجه به تعهدات عیان و نهان مسلمانان در برابر نام او برپا می‌شوند؛ نظیر سمینارها و گردهمایی‌های ملی و بین‌المللی و حتی سناریوپردازی‌های علمی یا تخیلی که در بسیاری از موارد، با علاقه و در پرتو انوار نام زیبای او شکل می‌گیرند (ر.ک. مؤتمر الامام‌المهدی و مستقبل العالم، ۱۴۳۴ قمری، ج ۱-۵). اینچنین است که نام مهدی علیه السلام و فقط نام او، واقعیت آینده را خلق می‌کند؛ در حالی که او فقط یک نام نیست، بلکه حقیقتی است که مسلمانان به او باور دارند و منتظر اویند.

این نگاه به رسالت منتظران موعود علیهم السلام، آنها را به حرکت می‌آورد و متحول می‌سازد تا جامعه آینده، در جریان مراودات آنها و بر اساس آرمان‌های خردمندانانه و زیبایی‌شناسانه ایشان (پورعزت، ۱۳۸۳) شکل بگیرد و ساخته شود.

نتیجه‌گیری

ذکر نام امام مهدی علیه السلام و روایتگری حوادث تاریخی مرتبط با او، در ساحت حقیقت، آرمان می‌آفریند و در ساحت واقعیت، رویدادها را شکل می‌دهد (پورعزت، ۱۴۳۴ ق). بدین ترتیب، مرادده مستمر نام و حقیقت امام مهدی علیه السلام و باورهای مشتاقان و علاقه‌مندانش، بر واقعیت امروز تأثیر گذارده و واقعیت‌های فردا را نیز از طریق آثار هنری، آثار علمی، اخبار، رویدادها و به‌ویژه داستان‌های معطوف به آینده، شکل می‌دهد و سامان می‌بخشد.

در این رویکرد، مهدی‌باوری، به انتظاری پویا و اثرگذار و تحول‌بخش و واقعیت‌آفرین تبدیل می‌شود؛ انتظاری که واقعیت آینده را می‌سازد و بنا بر فحوای نام زیبایی او، هدایت می‌کند. این انتظار، انتظاری است که مستمراً جهان آینده را خلق می‌کند و آن را تحت تأثیر خود شکل می‌دهد. بنابراین، اقداماتی چون تکرار نام مهدی علیه السلام و ذکر داستان زندگی او و روایت حوادث آینده در محضر او، اقداماتی بایسته برای شکل‌دهی به آینده‌ای پاکیزه‌تر، خردمندانانه‌تر و زیباتر تلقی می‌شوند؛ اقداماتی که آینده موعود را در ساحت فکر و ذکر و عمل، آشکارتر می‌نمایند و عیان می‌سازند.

بدین ترتیب، تجلی نام امام مهدی در فراگرد ساخت واقعیت آینده، آینده‌ای اخلاقی‌تر و تکامل‌یافته‌تر را توسعه می‌دهد؛ آینده‌ای که تمام خرد و کمال هنر را با تجلی عدالت حق مدار نمایان می‌سازد.

کتابنامه

۱. آصفی، محمدمهدی، *انتظار پویا*، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۳ ش.
۲. پورعزت، علی اصغر. *مختصات حکومت حق مدار*، در *پرتو نهج البلاغه امام علیه السلام*، قم: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷ ش.
۳. پورعزت، علی اصغر، الامام المهدی علیه السلام و بناء واقع المستقبل، *مجموع مقالات مؤتمر الامام المهدی و مستقبل العالم*، ج ۴، النجف الاشرف: مجمع اهل البيت علیهم السلام، ۱۴۳۴ ق.
۴. پورعزت، علی اصغر، شهر عدل امام مهدی علیه السلام تجلی گاه تمام خرد و کمال هنر انسانی، فصلنامه *انتظار موعود*، شماره ۱۳، قم: مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۳ ش.
۵. سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، نشر آفاق، ۱۳۷۶ ش.
۶. سید رضی، *نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی علیه السلام*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ دهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۹.
۷. *شاهنامه فردوسی*، براساس شاهنامه ژول مول، به کوشش پرویز اتابکی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ ش.
۸. شریعتی، علی، *انتظار مکتب اعتراض در حسین وارث آدم (مجموعه آثار ۱۹)*، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۵۷ ش.
۹. *قرآن کریم*.
۱۰. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، مرکز نشر فرهنگی رجا با همکاری مؤسسه جهانی خدمات اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۱۱. *مجموعه مقالات مؤتمر الامام المهدی علیه السلام و مستقبل العالم*، النجف الاشرف: مجمع اهل البيت علیهم السلام، ۱۴۳۴ ق.
12. Boje, David M. 2001. *Narrative Methods for Organizational & Communication Research*. Sage publications.
13. Boje, David M. 2008. *Storytelling Organizations*. Sage publications.
14. Brown, John Seely, Stephen Denning, Katalina Groh & Lourence Prusak. 2005. *Storytelling in Organizations; How (Why) Narrative and storytelling are transforming Twenty - First Century Management*. Elsevier Science and Technology.

15. Morgan, Gareth. 2006. *Images of Organization*. Sage.
16. Pourezzat, Ali Asghar. 2010. "Construction Future Reality in Light of Imagination of Social Justice in Public Opinion". *USA National Academy of public Administration (NAPA)*.
17. Scott, Richard & Gerald Davis. 2007. *Organization & Organizing. Rational, Natural & Open System Perspectives*.



